

# اثرپذیری مطلع غزلیات حافظ از تکنیک‌های قرآن در فواتح سُور

علیرضا اسفنده \*

دکتر یداله ملکی \*\*

دکتر محمدرضا سگری \*\*\*

## چکیده

اهل ادب «ابتداء» را از زیبایی‌ها و محسنات سخن برشمرده‌اند که در شعر به آن حسن مطلع می‌گویند؛ به این دلیل که اگر بخش آغازین کلام دارای امتیاز و جاذبه‌هایی باشد، مخاطب نسبت به ادامه آن علاقه‌مند می‌شود و این گونه، صاحب سخن به هدف خود می‌رسد. قرآن کریم به حکم آنکه بر ادب پس از خود تأثیرات عمیقی گذاشته، سرشار از جنبه‌های ادبی است؛ شیوه‌ها و تکنیک‌های بیان در فواتح سور یا آیات آغازین سوره‌ها از مصادیقی است که سرایندگانی که با قرآن مانوس بوده‌اند به خصوص حافظ از آن به روش‌های گوناگون بهره جسته‌اند؛ به نحوی که کمتر غزلی از حافظ را می‌توان یافت که از تأثیر کلام وحی بی تأثیر باشد و همین تأثیر نفوذ معنوی کلام دلنشین و دلنشان ربّانی است که سبب شده شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت گردد. در این جستار پژوهشگر بر آن است تا تکنیک‌ها و شیوه‌هایی را که در آیات آغازین سوره‌های قرآن به کار رفته‌اند استخراج نموده و اثرپذیری و الهام حافظ را از این روش‌ها و تکنیک‌ها در مطلع غزل‌ها مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، حافظ، آیات آغازین، مطلع غزل.

---

\* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.  
\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)  
\*\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ضرورت تحقیق

قرآن کریم، سرچشمه زلال مضامین اخلاقی و دینی است؛ شعرا و نویسندگان از جمله حافظ از این آبشخور متعالی بهره‌های فراوانی گرفته اند؛ نگاه پژوهشگر در این جستار می‌تواند نگاهی دیگر گونه و بدیع به اشعار حافظ باشد و به صورت‌های نو رمز ماندگاری و جاودانگی اشعار وی را، در پیوند تنگاتنگ با قرآن به تصویر بکشد. از دیدگاه نگارنده، جای خالی بررسی شگردها و تکنیک‌های قرآنی در آغاز نمودن سوره‌ها و اینکه حافظ در مطلع غزل‌هایش به چه نحوی از این شگردها استفاده نموده و چه میزان از این تکنیک‌ها بهره برده است احساس می‌شد، لذا اهتمام نگارنده در این جستار به این مقوله اختصاص داده شد.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و رجوع مستقیم به آیات قرآن و تفسیرهای معتبر صورت گرفته است.

## پیشینه تحقیق

از جمله کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده «قرآن، ادب و هنر» از محسن عباس نژاد و «تجلی قرآن و حدیث در ادب فارسی» نوشته سید محمد راستگو است. مقاله «تأملی نو بر معانی ثانوی استفهام با تکیه بر غزلیات حافظ و آیاتی از قرآن کریم» به نگارش محمد ابراهیم الممیر و فرشید وزیله و نیز مقاله‌ای با عنوان «سرچشمه‌های قرآنی اندیشه حافظ» از مهدی دشتی و «بهره حافظ از آیات قرآنی» از دکتر محمد علوی مقدم و مقاله‌هایی از این دست یافت شد که علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده در این مقالات، هیچ کدام از موارد فوق و موارد مشابه به موضوع «اثرپذیری سبک حافظ در مطلع غزلیات از تکنیک پردازی قرآن در فواتح سُور» نپرداخته و در حقیقت این موضوع، بکر به نظر می‌رسد و جای کار و تأمل فراوان توسط محققین و دانش‌پژوهان ادبیات فارسی و علوم قرآنی دارد.

## پرسش اصلی

حافظ در مطلع غزلیات از سبک تکنیک پردازی قرآن در فواتح سُور چه تأثیراتی پذیرفته

است؟

## مقدمه

بهره‌مندی حافظ از کلام بی‌همتا و آسمانی قرآن از تمام جوانب، سخن وی را در میان سخنان بشری، رنگی هنری بخشیده است. تأثیر قرآن بر اندیشه، مضمون، ساختار واژه‌ها و اسلوب بیانی شعر حافظ، به گونه‌ای است که برخی شارحان و حافظ‌شناسان و اندیشمندان را بر آن داشته دیوان وی را، یکی از برجسته‌ترین تفسیرهای تأویلی قرآن بشمارند؛ بنابراین پیوند حافظ با قرآن مجید پیوندی ژرف است. همان گونه که شاعر می‌سراید:

ندیدم خوشتر از شعرتو حافظ      به قرآنی که اندر سینه داری

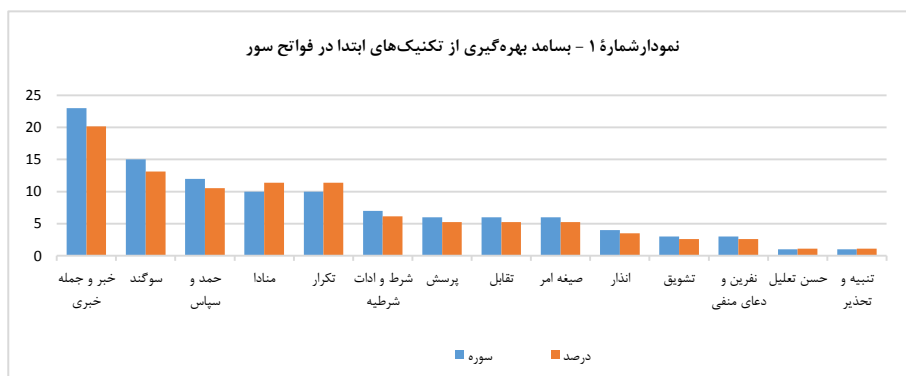
(حافظ، ۱۳۷۱: غزل ۴۴۷)

قَسَمی که در مصراع دوم بیت حافظ وجود دارد به اعتقاد خرمشاهی تأکیدی روشن است بر پیوستگی روح و جان شاعر با کلام وحی. (خرمشاهی، ۱۳۸۷: ۶۳۶)

از جمله مباحث مربوط به بلاغت قرآن بحث فواتح سُور یعنی آیات آغازین سوره هاست. این امر در ادبیات همواره مورد توجه بوده و کلام خداوند که در رأس همه متون ادبی قرار دارد از این قاعده مستثنی نیست. شروع قرآن با سوره حمد که ویژگی‌های زیبا و منحصر به فردی دارد، گویای این مفهوم است: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ وَ بَه رَاسْتِي، بَه تُو سَبْعِ الْمَثَانِي [سوره فاتحه] وَ قرآن بزرگ را عطا کردیم.» (الحجر: ۸۷)

در بین مطالب ادبی و هنری موجود در هر متن ادبی، حسن ابتدا و شروع زیبا یعنی همان براءت استهلال، نکته‌ای درخور توجه است. بنابر یک اصل روان - زیباشناختی، آغاز سخن شاعرانه از آنجا که سرریز ناگهانی عاطفه شاعراست، درخشندگی ویژه‌ای دارد. در رابطه با غزل نیز می‌توان گفت همه غزل در مقدمه یا مطلع آن منطوقی است و بقیه ابیات غزل از مقدمه

زاییده و با آن متناسب هستند. با توجه به مطالب پیشین که گویای ارتباط و پیوستگی حافظ و غزلیاتش با قرآن بود به نظر می‌رسد که وی نیز بیشتر سعی داشته، آغاز کلامش را با همان شیوه‌ها و تکنیک‌هایی بیاراید که در آیات آغازین سُور قرآن کریم به کار رفته‌اند.



نمودار شماره ۱، میزان بهره‌گیری آیات کلام وحی از تکنیک‌های مورد بررسی در فواتح سور را نشان می‌دهد.

روش‌ها و شیوه‌های حافظ در مطلع غزل‌ها می‌تواند از همین شگردها و تکنیک‌های قرآن کریم در فواتح سُور متأثر باشد. در این پژوهش سعی داریم با بررسی شیوه‌ها و روش‌هایی که در بیان قرآن در فواتح سُور آمده است به اثرپذیری حافظ از این شیوه‌ها در مطلع غزلیات بپردازیم.

### ۱- تکنیک ابتداء به خبر (جمله خبری)

حال و مقام، گاهی شروع سخن را به صورت اخبار اقتضا می‌کند و با اعلام یک خبر، توجه شنونده به آن معطوف می‌شود، سپس می‌توان در مورد آن توضیح داد و به شرح و بسطش پرداخت. ۲۳ سوره قرآن کریم با جملات خبری که خبر رسانی در آن صورت پذیرفته است، آغاز شده‌اند:

– إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوْثَرَ: ما تو را [ چشمه ] کوثر دادیم، (الکوثر: ۱)

- غُلِبَتِ الرُّومُ رومیان شکست خوردند، (الروم: ۲) فِي أُذُنِي الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَعْلَبُونَ در نزدیک‌ترین سرزمین، [ ولی ] بعد از شکستشان، در ظرف چند سال، به زودی پیروز خواهند گردید. (الروم: ۳)

-إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مَا [ قرآن را ] در شب قدر نازل کردیم (القدر: ۱)  
وجه اخباری آن است که وقوع یا عدم وقوع فعل را با قطعیت و یقین بیان کند و اسناد در آن قابل صدق و کذب باشد.

وجه خبری که نقش بیانگری و روایتگری دارد، در دیوان حافظ از بسامد بالایی برخوردار است. به نظر می‌رسد دلیل آن پرداختن بیشتر وی به بیان حالات، موضوعات، نظرات و دیدگاه‌هایش نسبت به امور باشد که برای بیان آنها از وجه خبری استفاده می‌کند.  
روزه یکسو شد و عید آمد و دلها برخاست می زخمخانه به جوش آمد و می‌باید خواست  
(حافظ: غزل ۲۰)

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد  
(همان: غزل ۱۵۲)

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را انیس و مونس شد  
(همان: غزل ۱۶۷)

## ۲- تکنیک ابتداء به سوگند

کاربرد سوگند (قسم) در سخن به دو دلیل است: گاهی به علت احتمال کذب گوینده است که در مورد سخن خدا این امر منتفی است؛ مورد دیگر مربوط به بی‌اعتنایی شنونده نسبت به اهمیت موضوع و ساده‌انگاری آن است. ۱۵ سوره قرآن کریم با سوگند شروع شده است که با عنوان «مقسّمات» از آنها یاد می‌شود: گاهی به یک سوگند در آیه اول اکتفا نشده و نظر به اهمیت مسأله تا ۷ سوگند ادامه پیدا می‌کند، (سوره شمس)؛ در سوره صفات به ملائکه و فرشتگان: وَ الصّٰفّٰتِ صَفًّا؛ در سوره بروج: وَ السَّمٰءِ ذٰتِ الْبُرُوجِ وَ طَارِقٍ: وَ السَّمٰءِ وَ الطَّارِقِ،

به افلاک. در ۶ سوره به لوازم و امور وابسته به افلاک سوگند یاد می‌شود. سوره نجم به ثریا: وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ؛ سوره فجر به مبدأ روز: وَالْفَجْرِ؛ سوره شمس به خورشید: وَالشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا؛ در سوره عصر به زمان؛ در سوره لیل به شب: وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ؛ در سوره ذاریات: وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا به هوا و مرسلات: وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا به رسولانی که از پی هم فرستاده شده اند، سوگند یاد می‌شود؛ در سوره تین به گیاه: وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ و در سوره نازعات به حیوان ناطق و انسان: وَ النَّازِعَاتِ عُرْفًا و در سوره عادیات به بهیمه و چهارپایان: وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا قسم می‌خورد.

در دیوان غزلیات حافظ نیز غزل‌هایی فراوان با ابیاتی آغاز شده‌اند که مشتمل بر سوگند است. در برخی از ابیات، حافظ از افعال سوگند برای نشان دادن قسم خویش بهره گرفته است؛ افعالی همچون: سوگند خوردن، سوگند یاد کردن و مانند آنها در زمان‌های مختلف دستوری که با عنوان جمله واره‌های وابسته به سوگند، مفهوم و پیام جمله را تام و مقید می‌کند. مانند:

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم      یعنی غلام شاهم و سوگند می‌خورم

(حافظ: غزل ۳۲۹)

اما گاهی سوگند مشتمل بر چند بخش می‌شود که جمله مرکب، سوگند را تشکیل می‌دهد:

به جان او که گرم دسترس به جان بودی      کمینه پیشکش بندگانش آن بودی

(همان: ۴۴۲)

دراصل ژرف ساخت بیت این گونه است:

به جان او [سوگند می‌خورم] که اگر به جان دسترس بودی، آن کمینه پیشکش بندگانش بودی

پایه = اصل سوگند      پیرو = جواب سوگند = جمله شرطی

جمله مرکب سوگند

لازم به ذکر است که برخی مطلع‌های حاوی سوگند، مشتمل بر دو یا چند سوگند هستند؛

مانند:

به جان پیر خرابات و حق صحبت او      نیست در سر من جز هوای خدمت او

(همان: غزل ۴۰۵)

ژرف ساخت بیت این چنین است:

به جان پیرخرابات و حق صحبت او که در سر من جز هوای خدمت او نیست.

پایه ۱ پایه ۲ پیرو = جواب سوگند = جمله مرکب شرطی

جمله مرکب سوگند

به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست که مونس دم صبحم دعای دولت توست

(حافظ: غزل ۲۸)

پایه ۱ پایه ۲ پایه ۳ پیرو = جواب سوگند = جمله مرکب شرطی

جمله مرکب سوگند

### تکنیک ابتدا به حمد و سپاس

خداوند بزرگ دوازده سوره از قرآن کریم را با حمد و ستایش الهی آغاز نموده و ستایش خداوند در آغاز سوره‌های قرآن به دو شکل آمده است: سوره‌هایی که با حمد آغاز شده‌اند «حامدات» و سوره‌هایی که با تسبیح آغاز شده‌اند «مَسْبُوحَات» نام دارند. قسمت اول، اثبات صفات مدح و قسمت دوم تنزیه خداوند از صفات نقص؛ که اولی با تحمید در پنج سوره حمد، انعام، کهف، فاطر و سبأ و دو سوره فرقان و ملک نیز با لفظ (تبارک) و قسمت دوم با تسبیح در هفت سوره (اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی) آغاز شده است. سوره اسراء با صیغه مصدر «سبحان»، سوره‌های حدید، حشر و صف با صیغه ماضی «سَبَّحَ»، دو سوره جمعه و تغابن با صیغه مضارع «يُسَبِّحُ» و سوره اعلی با صیغه امر «سَبِّحْ» آغاز می‌شود؛ می‌توان گفت: تمام مشتقات تسبیح از ماضی، مضارع، امر و مصدر در سوره‌های مَسْبُوحَات آمده است.

– الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: ستایش خدا را که پروردگار جهانیان. (الفاتحه: ۲)

– الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ: ستایش خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد.

با این همه کسانی که کفر ورزیده‌اند، [غیر او را] با پروردگار خود برابر می‌کنند. (الأنعام: ۱)

– الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا: ستایش خدایی را که این کتاب [ آسمانی ] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن نهد. (الکهف: ۱)  
حافظ نیز بارها کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز کرده است:  
شکر ایزد که ز تاراج خزان رخنه نیافت بوستانِ سمن و سرو و گل و شمشادت  
(حافظ: غزل ۱۸)

المنه لله که در میکده باز است زان رو که مرا بر در او روی نیاز است  
(همان: غزل ۴۰)

هزار شکر که دیدم به کام خویشت باز ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز  
(همان: غزل ۲۵۸)

### تکنیک ابتداء به منادا

در فن خطابه گاهی گوینده برای جلب توجه بیشتر، مخاطب را صدا می‌زند؛ این نوع خطابه از جهاتی تأثیر کلام را بر مخاطب بیشتر می‌کند از جمله آنکه مخاطب تردید نمی‌کند که روی سخن گوینده با اوست. به اعتقاد زمخشری، «یا» برای صدا زدن کسی که چیزی را فراموش نموده و در غفلت به سر می‌برد، اگر چه نزدیک باشد نیز استعمال می‌شود و چنانچه یک فرد زیرک و باهوش از نزدیک با حرف «یا» مورد خطاب واقع شود، برای تأکید است. خطاب کننده می‌خواهد بگوید: خطابی که بعد می‌آید بسیار مهم و مورد توجه است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۹۰)

۱۰ سوره از قرآن کریم که با (نداء) شروع می‌شوند، مخاطبات نام دارند و در پنج مورد منادا پیامبر اکرم (ص) است: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ. (الطلاق)؛ (الأحزاب)؛ (التحریم) و (یا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ)؛ (المزمل)؛ و یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ. (المدثر) و سه سوره مؤمنان را مورد خطاب قرار داده (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا)؛ مانده، حجرات و ممتحنه و دو سوره نسا و حج با خطاب به همه مردم: (یا أَيُّهَا النَّاسُ) شروع شده‌اند.  
حافظ شیرین سخن نیز چند مطلع از غزل را با حروف ندا و مخاطب قراردادن افراد و موجودات و پدیده‌ها شروع می‌کند:

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت

(حافظ: غزل ۹۰)



حافظ با تلمیح به داستان قرآنی ملکه سبا و سلیمان(ع)، هدهدراکه در اینجامصداق پیک مشتاقان است، موردخطاب قرار می‌دهد:  
عیب رندان مکن‌ای زاهد پاکیزه سرشت      که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

(همان: غزل ۸۰)

در این بیت مطلع، با منادای آبرونیک (وارونه گویی) مواجه هستیم؛ نوع طعنه‌آمیز آبرونی، یکی از انواع تعریض است که در بیان به آن استعارهٔ تهکّمیه یا مجاز به علاقهٔ تضاد گفته می‌شود. (بهره مند، ۱۳۸۹: ۱۰) در این نوع استعاره، ربط بین مستعاره و مستعارمنه تضاد است نه مشابهت. در بیت مذکور با نگاه انتقادآمیزی که حافظ به زاهد دارد، وی را با صفت پاکیزه سرشت، نه به عنوان یک ویژگی مثبت، بلکه به طنز و از روی استهزاء مورد خطاب قرار می‌دهد:  
ای که دائم به خویش مغروری      گر تو را عشق نیست معذوری

(همان: غزل ۴۵۳)

شاعر با حذف اسم پس از منادا تعمدی، عباراتی توصیفی جانشین آن نموده که توصیف کاملی است از اسمی که محذوف شده است. حافظ در قالب این عبارت‌ها توانسته علاقه یا تنفر خود را بهتر و روشن‌تر بیان کند:  
ای که در کوی خرابات مقامی داری      جم وقت خودی، ار دست به جامی داری

(همان: غزل ۴۴۸)

### تکنیک ابتداء به تکرار

قرآن به عنوان آخرین ارتباط مکتوب الهی با بشر، در جست و جوی بهترین شیوه‌ها و شگردهای پیام رسانی، برای نیل به هدف اصلی خود، یعنی هدایت انسان به استفاده از ابزارهای گوناگون روی می‌آورد. دقت در انتخاب درست کلمات و نحوهٔ چینش آنها برای ادای بهتر معانی و مفاهیم، توجه به ایقاع و موسیقی حروف برای ایجاد رابطه بین لفظ و معنا که در نظم و اعجاز بلاغی و به طور کلی در زیبایی شناسی قرآن مطرح شده‌اند. (مسلم، ۱۹۹۶ م: ۱۴۳) همگی دلالت بر این حقیقت دارند که کلام وحی در دست یازیدن به موسیقی می‌کوشد که در برجسته‌سازی معانی، نقش قابل توجهی دارد؛ از این رهگذر ساختار ویژه‌ای از واژگان و

جملات به شیوه‌ای در کنار هم چیده شده‌اند که نوعی شگفت‌انگیز از موسیقی را در خود پدید آورده است (سیدی، ۱۳۹۲: ۲۷۷) این چینش تکرار نام دارد. شیوه تکرار، باز آوردن یک لفظ یا مرادف آن برای ثبوت یک معنا در ذهن است. (زرکشی ۲۰۰۶ م: ۱۸۷)

شیوه تکرار در آیات آغازین سور مبارکه به چند شکل قابل مشاهده است: تکرار واج (حرف)، تکرار واژه (کلمه) و تکرار عبارت (که در فواتح سور مشاهده نشد).

### تکرار حرف

– إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا: آن گاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود – تکرار واج (ز)

– قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) – تکرار واج (ق)

در آیات ابتدایی سوره (فلق) تکرار واج (ق) با سوت قوی خود نوعی بیداری و آگاهی را خلق میکند و این همان چیزی است که معنای آیات آن را می‌طلبد؛ در شعر حافظ که به نظر می‌رسد از این شیوه قرآن برای شروع غزل‌هایش الهام گرفته است نیز تکرار واج به وفور یافت می‌شود:

تکرار مصوت (ا):

الا يا ايها الساقى أدر كاساً و ناولها      كه عشق آسان نمود اول ولى افتاد مشكلها

(حافظ: غزل ۱)

تکرار صامت (س) در مصراع اول و تکرار واج (ب) در مصراع دوم:  
بیا که قصر امل سخت سست بنیاد ست      بیار باده که بنیاد عمر بر بادست

(همان: غزل ۳۷)

تکرار (س) جنبه حسرت آلود سخن را غنی می‌کند و تکرار (ب) با تأکید قاطع و استوارمی تواند به القای مفهوم حسرت مدد برساند:

جان بی جمال جانان میل جهان ندارد      هر کس که این ندارد حقاً که آن ندارد

(همان: غزل ۱۲۶)

تکرار صامت (ج) که جزء همخوان‌های سایشی است (قویمی، ۱۳۸۳: ۵۹) و در بیان شکوه و شکایت به کار می‌رود، می‌تواند نوعی نارضایتی و اندوه همراه با شکایت را به ذهن القا کند؛ شاعر گویا در پاسخ کسی که بهره مندی‌های جهان را بدون حضور محبوب می‌خواهد، زبان به اعتراض می‌گشاید:

تکرار صامت (خ):

ما را ز خیال تو چه پروای شرایست      خم گو سر خود گیر که خمخانه خرابست

(حافظ: غزل ۲۹)

### تکرار واژه

توالی و تکرار واژه‌ها در قرآن، بابتی از موضوع نظم آهنگ قرآن است. در برخی از سوره قرآن بسامد کاربرد واژه‌هایی معین و توالی و تکرار آنها قابل توجه است. حضور شدید حرف (ق) در آیات مربوط و تکرار کلماتی با مضمون واقعه قیامت به طور کامل مشهود است:

– الْقَارِعَةُ (۱) مَا الْقَارِعَةُ (۲) وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

– الْحَاقَّةُ (۱) مَا الْحَاقَّةُ (۲) وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳)

تکرار واژه‌ها در جهت القای مفاهیم و معانی ظریف و باریک یکی از خصوصیات برجسته شعر حافظ است. آشنایی دقیق حافظ با ظرفیت‌ها و ظرافت‌های واژه‌ها و ترکیبات به او اجازه می‌دهد تا کلامش را، به سلسله‌ای از تناسبات لفظی و معنایی بلیغ بدل سازد که تعامل مخاطب را به رفت و آمدی پیوسته در اجزای بیت دعوت می‌کند:

بر نیامد از تمنای لب‌ت کامم هنوز      بر امید جام لعلت دردی آشامم هنوز

(همان: ۲۶۵)

تکرار (هنوز) به عنوان ردیف در کنار تعبیراتی چون بر نیامدن کام و دردی آشامیدن، هم، بر مفهوم اندوه و نارضایتی تأکید دارد و هم نوعی استمرار را القا می‌کند و نیز نشان می‌دهد که هنوز هجران دائمی نشده و همچنان امید وصال هست:

ای صبا نکه‌تی از کوی فلانی به من آر      زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر

(همان: غزل ۲۴۸)

تکرار دوباره مصوت (آ) در کنار صامت (ر) در واژه (آر) پارادوکسی آوایی - القایی شامل فراز و فرود آفریده است؛ در این ترکیب زیبا (آ) اشتیاقی نیرومند و (ر) سکونی حزن آلود و اندکی ناامیدانه را بروز می‌دهد.

مرا چشمی است خون افشان ز دست آن کمان ابرو

جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو

(همان: غزل ۴۱۲)

تکرار (چشم و ابرو) علاوه بر تأکید روی جلوه‌های جمال معشوق و نیز اظهار التذاد، نوعی تحذیر پنهان را نیز یدک می‌کشد؛ برای درک معنای زیرین، باید به تقارن این واژه‌ها با (خون و فتنه) و نیز مفهوم کلی بیت توجه کرد.

### تکنیک ابتداء به شرط و جمله شرطیه

از شیوه‌های دیگری که در فن معانی و بیان مطرح است و قرآن در آغازین آیات سُور مبارکه از آن بهره جسته است، ادای جملات به صورت شرط است. هر ترکیب شرطی از دو بخش جمله شرطی و جزاء شرط تشکیل شده است و با ادای جمله شرطیه توسط گوینده، مخاطب منتظر شنیدن جزای شرط است. ۷ سوره از قرآن کریم با شرط آغاز شده‌اند: واقعه، منافقون، تکویر، انفطار، انشقاق، زلزله و نصر.

— إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ... چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، ... (النصر: ۱)

— إِذَا جَاءَكَ الْمُنافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقِينَ لَكَاذِبُونَ: چون منافقان نزد تو آیند، گویند: «گواهی می‌دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی.» و خدا [هم] می‌داند که تو واقعاً پیامبر او هستی، و خدا گواهی می‌دهد که مردم دو چهره سخت دروغگویند.» (المنافقون: ۱)

در دیوان حافظ، اغلب جمله‌های شرطی موجود در مطلع غزل‌ها، با صدرنشینی «اگر» آغاز شده‌اند، یعنی در واقع تقیید جمله شرط به حرف شرط، به تعلیق مضمون جمله جزا به مضمون

جمله شرط در زمان آینده نظر داشته است؛ چه با احتمال وقوع مضمون شرط و چه با جزم به وقوع شرط. (تقوی، ۱۳۱۷: ۷۰).

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

(حافظ: غزل ۳)

جواب شرط مشروط به تحقق یافتن بخش اول یعنی جمله شرطی است؛ دراین بیت به اعتقاد ختمی لاهوری اگر محبوب ذوالجلال که استغنا و بی نیازی وصف خاص اوست دل مقبوض ما را مسرور و منبسط کند دنیا و آخرت را نثار درگاه عظمت و جاه او گردانم. (ختمی لاهوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۷)

گرمن از سرزنش مدعیان اندیشم شیوه مستی و رندی نرود از پیشم

(حافظ: غزل ۳۴۱)

اگر به باده مشکین دلم کشد شاید که بوی خیر ز زهد و ریا نمی آید

(همان: غزل ۲۳۰)

از مهم‌ترین عوامل زیبایی شناسانه در ساختار جملات شرطی در مطلع غزلیات حافظ، به کاربردن متقارن آنها در طول یک بیت است که باعث ایجاد لذت معنایی نیز می‌شود. به یقین، آوردن جملات شرطی با ساختار نحوی مشابه، در طول یک بیت یا حتی یک غزل، علاوه بر ایجاد موسیقی حاصل از تکرار ساخت‌های نحوی یکسان، در بالا بردن هماهنگی و انسجام درونی غزل نیز مؤثر است:

گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت رفت و ر ز هندوی شما بر ما جفایی رفت رفت

(همان: ۸۳)

گرمن از باغ تو یک میوه بچینم چه شود؟ پیش پایی به چراغ تو ببینم چه شود؟

(همان: ۲۲۸)

### تکنیک ابتداء به پرسش

پرسش حقیقی در مورد خداوندی که عالم مطلق است متصور نیست؛ لذا آنچه از استفهام و پرسش از جانب حضرت حق در قرآن مطرح است، همگی استفهام مجازی است، که مفید

معانی به جز درخواست جواب جهت یافتن اطلاعات می‌باشد. علم الهی محیط بر تمامی دانش‌ها و نیز برترین شیوه‌های ابلاغ و تعلیم است که پرسش را به عنوان یکی از کارآمدترین و رساترین شیوه‌های بیانی در کلام خویش استفاده کرده است. (الدمیانی، ۱۳۰۴، جلد ۱: ۱۲) در مجموع ۱۲۶۰ پرسش در قرآن یافت شد که فقط ۱۹ مورد استفهام حقیقی دیده شد و بقیه موارد به صورت غیر حقیقی یعنی با اغراض بلاغی آمده است از مجموع کل پرسش‌های موجود در کلام وحی فقط ۶ مورد در فواتح سور وجود دارد:

- سوره نباء: عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ: درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟ (النبا: ۱)

- سوره غاشیه: هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ: آیا خبر «غاشیه» به تو رسیده است؟ (الغاشیه: ۱)

- سوره ماعون: أُرِيتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ: آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌خواند،

دید؟ (الماعون: ۱)

- سوره فیل: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ: مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه

کرد؟ (الفیل: ۱)

حافظ به خاطر قدرت اعجاب انگیزی که در خلق ایهام دارد، سؤالات خود را نیز به گونه‌ای مطرح می‌کند که اغلب دارای اغراض توأم و یا نزدیک به هم و گاهی متناقض نما هستند و خواننده با اقتضائاتی می‌تواند چند غرض را از یک سؤال استنباط نماید؛ بنابراین شاخصه‌هایی چون آهنگ، تکیه، معنای جمله و در نهایت زبر زنجیر معنایی و حال کلام می‌تواند ما را در فهم بهتر غرض ثانوی سؤال یاری کند. (مالمیر و وزیله، ۱۳۹۶: ۶۶)

اغراض بلاغی و معانی مجازی پرسش ویژگی ذاتی زبان است و قابلیت استعدادی و اکتسابی نیست که ادبا یا شعرا از سر ذوق سلیم و قریحه شاعرانه خود به آن پرداخته باشند. تنوع مقاصد ثانویه پرسش نشان می‌دهد که گوینده از این طریق بهتر و مؤثرتر می‌تواند، پیام خود را ابلاغ و اندیشه‌های خود را القا کند؛ این برجستگی از دو منظر مطرح می‌شود: یکی قابلیت‌های ویژه و گسترده اسلوب پرسش در تمام زبان‌ها و دیگری اغراض ثانوی متنوع و متعدد. اکنون به تعدادی از این اغراض اشاره می‌کنیم:

## پرسش برای سرزنش و ملامت

در این نوع پرسش، گوینده در قالب سؤال و به طور غیر مستقیم به خاطر حادثه یا اندیشه‌ای مخاطب خود را مورد سرزنش و ملامت قرار می‌دهد: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاءَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. ای پیامبر، چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی؟ خدا [ست که] آمرزنده مهربان است. (التحریم: ۱)

این آیه استفهامی است از نوع سرزنش و ملامت که در حقیقت نشان‌دهنده قاطعیت خداوند در برابر واقعه‌ای از زنان رسول اکرم (ص) است. خدای جل و علا برای حفظ حیثیت رسولش، نخست روی سخنش با پیامبر (ص) است که ای پیامبر، چرا چیزی را که خدا بر تو حلال نموده برای جلب رضایت همسران بر خود تحریم نموده‌ای؟ معلوم است که این تحریم شرعی نبوده، بلکه به طوری که از آیات بعدی استنباط می‌شود، سوگندی از ناحیه پیامبر یاد شده بوده، می‌دانیم که قسم خوردن بر ترک برخی از مباحات گناهی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲۴: ۲۷۳)

ترا که هر چه مرادست در جهان داری چه غم ز حال ضعیفان ناتوان داری؟

(حافظ: غزل ۴۴۵)

روزگاریست که ما را نگران میداری مخلصان را نه به وضع دگران می‌داری

گوشه چشم رضایی به منت باز نشد این چنین عزت صاحب نظران می‌داری؟

(همان: غزل ۴۵۰)

شاعر غزلش را با پرسش ملامت‌آمیز آغاز می‌کند و ضمن سرزنش مخاطبش در قالب سؤال از وی می‌پرسد که آیا شیوه گرامیداشت تو نسبت به صاحب‌دلان عاشق این است؟ (خطیب رهبر: ۶۱۲)

## پرسش آمیخته با شگفتی و تحیر

در این نوع استفهام قصد گوینده، بیان حیرت و شگفتی از موضوعی است که موجبات تعجب و تحیر شنونده را فراهم آورده است. پس از بررسی آیات آغازین سور قرآن مشاهده شد:

- سورة قارعه: الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ: کوبنده، چیست کوبنده؟ و توجه دانی که کوبنده چیست؟

در این آیات، حادثه کوبنده قیامت که مایه شگفتی و تحیرشنوندگان است، بیان می‌شود. (مکارم شیرازی: ج ۲۲: ۲۸۵)

- هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ: آیا خبر «غاشیه» به تو رسیده است؟ (الغاشیه: ۱)  
مخاطب در این آیه شخص پیامبر است، ذکر این پرسش استفهامی نشان دادن شگفتی و اعجاب عظمت روز قیامت و اهمیت این روز بزرگ است. (مکارم شیرازی، ج ۲۶: ۴۱۲)  
- عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ: درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟ (النبا: ۱) (استفهام آمیخته با تعجب و تحیر)

در مطلع غزل‌های حافظ نیز، بهره‌گیری از این شیوه پرسش به وضوح مشهود است:

من و انکار شراب این چه حکایت باشد؟ غالباً این قدم عقل و کفایت باشد

(حافظ: غزل ۱۵۸)

شاعر سرزنش را با استفهام و پرسش تحقیرآمیز خویش شروع می‌کند که شگفتی او را می‌رساند، او متعجب است از اینکه گفته‌اند وی، می‌گساری را شوم و ناپسند می‌داند.

### پرسش برای ایجاب و تأکید

در این نوع پرسش غرض گوینده از سؤال، جلب توجه مخاطب و آگاهی دادن به او درباره نکته‌ای است که باید به آن اهمیت و تأکید بیشتری شود:

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ: آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم؟ (الشرح: ۱)

لحن آمیخته با لطف و محبت فوق العاده پروردگار جهت تسلیت و دلداری پیامبر(ص) است (مکارم شیرازی، ج ۲۷: ۱۴۱) خداوند جلّ و علا با لحنی پرسش گونه اما ملاطفت‌آمیز، رسولش رامورد خطاب قرار داده و ضمن تأکید بر سخنان خود به ایشان آگاهی می‌دهد که بار سنگین گناه را با اعطای مقام عصمت از تو دور داشتیم.



انسان با اندیشه‌ها و تفکراتی که بخش عظیمی از آن را پرسش‌های وی تشکیل می‌دهد، هویت می‌یابد؛ گوینده برای تأثیر و تقویت معنای کلام خود، در ذهن و اندیشه مخاطب، این قالب را انتخاب کرده و در ایجاد آمادگی ذهن، برای فهم مطالب و مفاهیم از آن یاری می‌گیرد: چرا نه در پی عزم دیار خود باشم؟ چرا نه خاک سر کوی یار خود باشم؟

(حافظ: غزل ۳۳۷)

شاعر با تکرار «چرا نه» به تأکید در عمل به خواسته‌های خود می‌پردازد، که در پی عزم دیار و خاک سر کوی دوست بودن است.

حال خونین دلان که گوید باز؟ وز فلک خون خم که جوید باز؟

(همان: غزل ۲۶۲)

پرسش در مطلع غزل، تأکید بر عدم خونخواهی از حال خونین دلان است که طریقه یار می‌باشد.

### پرسش تقریری

این نوع پرسش به معنای تثبیت چیزی است که بیننده و مخاطب هردو می‌دانند (شیرازی: ۲۸۷) - سوره انسان: (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً: آیا انسان را آن هنگام از روزگار [ به یاد ] آید که چیزی درخور یادکرد نبود؟ (الإنسان: ۱)

در مواردی که استفهام انکاری باشد مؤکد موضوع در ذهن مخاطب است و از موارد تأکید به حساب می‌آید؛ مثلاً در آیه هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً، تأکید بر حدوث انسان می‌باشد و به همین دلیل مفسران گفته‌اند: هَلْ به معنی «قد» است یعنی قطعاً زمانی بر انسان گذشت که چیزی قابل ذکر نبود؛ این نحو تأکید، زمینه‌سازی برای بیان مطالب بعدی سوره یعنی هدایت تکوینی، جایگاه ابرار، اوصاف بهشت و... می‌باشد.

از دلایل امتیاز پرسش به عنوان یک ابزار بلاغی باید به کاربرد و تفسیر آن در قرآن و پیام‌رسانی کلام الهی توجه داشت. متون ادبی به خصوص شعر حافظ با تأثیرپذیری ساختاری و محتوایی از کتاب الهی دارای ممتازترین پرسش‌های بلاغی و ظریف‌ترین کاربردهای این

اسلوب بیانی هستند. حافظ در مطلع برخی از غزلیاتش به روشی زیباشناسانه از این گونه پرسش استفاده کرده است:

خوشر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست؟

ساقی کجاست، گو سبب انتظار چیست؟

(حافظ: غزل ۶۵)

به اعتقاد برزگر خالقی، در مصراع اول شاعر می‌پرسد: خوشر از شادی و مستی و همنشینی با زیبارویان چه چیزی وجود دارد؟ یعنی از مخاطب خود یک مطلب تثبیت شده‌ای که هم گوینده و هم خود از آن آگاه هستند می‌پرسد. (برزگر خالقی، ۱۳۸۶: ۱۸۱)

شراب و عیش نمان چیست؟ کار بی بنیاد  
زدیم بر صف رندان و هر چه باداباد

(حافظ: ۱۰۱)

خواجه با توجه به اوضاع زمانه خود حکم کلی می‌دهد علیه کسانی که دور از چشم مردم باده نوشیده و خوشگذرانی می‌کنند و می‌گوید که کار ایشان بی بنیاد است. (ثروتیان، ۱۳۸۶،

ج ۲: ۱۱۶۲)

### پرسش برای جلب توجه و ایجاد آمادگی

در این نوع پرسش، قصد گوینده از طرح سؤال، جلب توجه مخاطب و آماده نمودن او برای شنیدن مطلب است تا موضوع مد نظرش را از اهمیت بیشتر برای توجه یا پذیرش نشان دهد. در واقع گوینده سؤالی را مطرح می‌کند تا مخاطب برای شنیدن آماده شود و سپس خود جواب را در اختیار او قرار می‌دهد.

- سوره فیل: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ: مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد؟ (الفیل: ۱) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّيلٍ: آیا نیرنگشان را بر باد نداد؟ (الفیل: ۲) و سپس خداوند بعد از جلب توجه مخاطب و نیز نشان دادن اهمیت مطلب، خود این گونه پاسخ می‌دهد: وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ: و برسر آنها، دسته دسته پرندگان «ابابیل» فرستاد. (الفیل: ۳)

حافظ در مطلع غزل می‌سراید:

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند؟  
پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند؟

(حافظ: غزل ۲۰۰)

در این بیت گوینده برای جلب توجه مخاطب و توصیه به باده نوشی پنهانی، پیامش را در قالب سؤال از زبان چنگ و عود مطرح می‌کند؛ سپس خود به پرسش پاسخ می‌دهد. اگرچه لسان الغیب در اسلوب به کارگیری پرسش، هرچه کرده همه از دولت قرآن کرده و هر چند که حافظ وجوه مختلف استفاده از آنها را به کار برده است، اما وجه غالب و شگرد اصلی پر بسامد در بیان معانی ثانوی در قالب سؤال در اشعار حافظ، وجه ایجابی و تصدیقی با بار عاطفی و ارشادی است تا از این رهگذر رسالت قرآنی خود را به بهترین وجه انجام رساند.

### تکنیک ابتداء به تقابل

حکما تقابل را به امتناع اجتماع دو شیء متخالف در موضوع واحد، یا محل واحد از جهت واحد و در زمان واحد تعریف کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۵۳) تقابل سبب درگیری ذهن مخاطب و در نهایت بیداری می‌شود. حافظ در بیشتر جنبه‌های غزلش از صور لفظی و معنایی قرآن متأثر بوده است. از جمله بسیاری از تقابل‌های شعر حافظ برخاسته از مفاهیم و شیوه قرآن است؛ آنجا که انسان به خاطر پذیرش بار امانت و قرعه‌ای که به نام «آدم» می‌افتد، در برابر «ملک» قرار می‌گیرد و تقابلی قرآنی خلق می‌شود، حافظ الهام گرفته و «رند» را در برابر «زاهد عاقل» می‌نشانند و با این اثرپذیری، شبکه‌ای از واژه‌های متقابل را در محور همنشینی و جانشینی این مضامین متقابل خلق می‌کند.

### تقابل‌های بدیع در آیات آغازین سوره:

- يا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَنَّىٰ مَرْصَاةً أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. ای پیامبر،

چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی؟ خدا [ست

که [ آمرزنده مهربان است. (التحریم: ۱)

تقابل بین کلمات حلال و حرام را تقابل مدرج نام نهاده‌اند. در این نوع تقابل، نفی یکی از واژه‌ها به معنای اثبات دیگری نیست (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

- لِإِيَّالَافٍ قُرَيْشٍ: برای اُلْفَتِ دادنِ قُرَيْشِ. (قریش: ۱) إِيَّالَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ: الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان (قریش: ۲) بین واژه‌های الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ تباین معنایی برقرار است که دراصل، نوعی تقابل معنایی است که میان مفهوم چند واژه در یک حوزه معنایی پدید می‌آید. واژه‌های متباین می‌توانند دو به دو باهم در تقابل باشند. (صفوی: ۱۲۰)

- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى: سوگند به شب چون پرده افکند. (اللیل: ۱) وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى: سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد. (اللیل: ۲) وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید. (اللیل: ۳)

بین واژه‌های اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ و نیز الذَّكَرَ وَالْأُنثَى تقابل مکمل وجود دارد. در تقابل مکمل، نفی یکی از دو واژه متقابل اثبات واژه دیگر است. (صفوی: ۱۱۸)

نقش محوری تقابل‌های دوگانه در بررسی غزل‌های حافظ محرز و مسلم است. در واکاوی ژرف ساخت ذهنی حافظ این تقابل‌ها به خوبی نمایان می‌شوند و بدون در نظر گرفتن و شناخت آنها آشنایی با اندیشه‌ها و باورهای ذهنی وی ناممکن خواهد بود:

ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی تا راه‌رو نباشی کی راهبر شوی  
(حافظ: غزل ۴۸۷)

رابطه ما بین واژه‌های بی خبر/صاحب خبر تقابل واژگانی وجود دارد. به این معنا که این زوج‌ها از لحاظ لفظی و واژه‌ها در تقابل و تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. (گیرو، ۱۳۸۳: ۵۳)

زان می‌عشق کزو پخته شود هر خامی گرچه ماه رمضان است، بیاور جامی  
(همان: غزل ۴۶۷)

نمونه تقابل معنایی در مطلع غزل:

مسجد / میخانه:

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما چیست یاران طریقت بعد ازین تدبیر ما

(همان: غزل ۱۰)

از مسجد سوی میخانه آمدن، تقابل دو مکان و دو طرزعمل و کردار را در پی دارد و البته به کنش پیر در رفتن از مسجد به میخانه صحنه می‌گذارد.

### تکنیک ابتداء به صیغه امر

در شش سوره قرآن کریم در آغازین آیات سوره، صیغه‌های امر آمده است؛ در این سوره که در حوزه فواتح به آنها «مقولات» می‌گویند. معمولاً طرف صیغه‌های امر در آغاز سوره‌ها پیامبر است و این خود، مسئولیت پیامبر و واسطه‌گری او برای هدایت بشر را می‌رساند؛ اما منحصر به آن حضرت نشده و دیگران را نیز در بر می‌گیرد:

- أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ: بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (العلق: ۱)

- قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بگو: «ای کافران.» (الکافرون: ۱)

- هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بگو: «او خدایی است یکتا.» (الإخلاص: ۱)

۶ سوره قرآن با فعل امر شروع می‌شوند، که با احتساب سوره‌هایی که با سَبَّح شروع می‌شود- که در این جستار در بخش مسبحات بیان نموده‌ایم - تعدادشان بیشتر خواهد شد.

حافظ نیز از افعال امری در مطلع‌های بسیاری استفاده کرده است:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد      نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

(حافظ: غزل ۱۱۵)

به اعتقاد حافظ، اختیارِ طریقِ دوستی موجب کامروایی انسان‌ها و انتخابِ راهِ تخصص و تنازع منشأ آلام و مصائب بسیار برای آدمیان است. خواجه راز بلندترین افکار انسانی و اصیل‌ترین اصول امر به معروف و نهی از منکر را در دو جمله خلاصه می‌کند؛ جای تأمل است، زیرا او ابتداء، امر و در مصراع دوم، نهی می‌کند؛ و نیز در مطلع‌های زیر:

صبا اگر گذری افتدت به کشور دوست      بیار نفعه‌ای از گیسوی معبردوست

(همان: غزل ۶۱)

بیا و کشتی ما در شط شراب انداز      خروش و لوله در جان شیخ و شاب انداز

(همان: غزل ۲۶۳)

## ابتدا به تکنیک انذار

یکی دیگر از شگردها و تکنیک‌های قرآن کریم برای شروع سوره مبارکه که از محرک‌های بازدارنده به حساب می‌آید، به تناسب سماجت، لجاجت مخاطب، ترساندن و انذار است که از بسامد بالایی پس از بشارت و مدارا در شروع آیات برخوردار است.

كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَ ذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ: کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد. (الأعراف: ۲) إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که: «قومت را، پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد، هشدار ده. (نوح: ۱) تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا: بزرگ [ و خجسته ] است کسی که بر بنده خود، فرقان [ کتاب جداسازنده حق از باطل ] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد. (الفرقان: ۱)

به نظر می‌رسد حافظ شیرین سخن نیز از این شیوه قرآن متأثر است:

ای که در کشتن ما هیچ مدارا نکنی      سود و سرمایه بسوزی و محابا نکنی

(حافظ: غزل ۴۸۰)

ای که دائم به خویش مغروری      گر تو را عشق نیست معذوری

(همان: غزل ۴۵۳)

شاعر در مطلع بیت مخاطبش را که پیوسته فریفته خویش است، می‌ترساند و ضمن انذار او به غرورش می‌تازد و مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهد که اگر از عشق بویی نبوی، عذرت خواسته است.

## تکنیک ابتداء به تشویق

از مجموع کل آیات قرآن حدود ۳۰۰ آیه به عامل تشویق مربوط می‌شود. مهم‌ترین رسالت قرآن هدایت بشر است. قرآن کریم با روش‌ها و تکنیک‌های مناسب انگیزه حرکت و در نهایت

هدایت به صراط مستقیم را در بشر ایجاد می‌کند تا انسان گام به گام از حیات مادی به سوی حیات طیبه الهی قدم بر دارد. یکی از این شگردهای قرآن برای ایجاد انگیزه، روش تشویق است. در ابتدای سوره‌های ابراهیم، مؤمنون و فتح خدای تبارک و تعالی به زیبایی مخاطبان را امیدوار می‌کند و گاهی با استفاده از شیوه تشویق، امید را در دل آنها زنده می‌گرداند:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ: به راستی که مؤمنان رستگار شدند. (المؤمنون: ۱)

- الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ: الف، لام، راء. کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری: به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده. (ابراهیم: ۱)

- إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا: ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی. (الفتح: ۱)

حافظ نیز در ابتدای چند غزل با تشویق مخاطبانش، غزل را آغاز می‌کند:  
مرحبای پیک مشتاقان بده پیغام دوست      تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

(حافظ: غزل ۶۲)

خوش آمد گل وزان خوشتر نباشد      که در دستت به جز ساغر نباشد

(همان: غزل ۱۶۲)

### تکنیک ابتداء به دعای منفی (نفرین)

شیوه دیگری که در آغازین آیات برخی از سُور مشاهده شد، شروع سوره با نفرین یا دعای منفی است. در بین انسان‌ها اعلام انزجار و تنفر از برخی اشخاص و کارهای نادرست آنان با صرف فعل نهی میسر نیست، بلکه گاهی شرایط به گونه‌ای می‌شود که لازم است دست به دامان خدا شد و برای بازداشتن آنها از فعل نادرستشان بدیشان نفرین نمود که دست از فعل خود بردارند. در مواردی از سوره‌های قرآن کریم از این سبک برای شروع سوره استفاده شده است. سه سوره مطففین (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ)، همزه (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ) و مسد (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ

تَب) که مربوط به ایجاد اختلال توسط بعضی از بندگان در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه بوده با دعا و نفرین آغاز شده است.

راجع به اثرپذیری حافظ در مطلع برخی از غزل‌هایش از این تکنیک به نظر می‌رسد، هنر حافظ در آن است که حتی واژه‌های منفی و دشنام‌آمیز را نیز با هنرمندی تمام دریافت شعر خویش قرار داده، به گونه‌ای که برای معانی مورد نظر هیچ واژه‌ای بهتر از آن، نمی‌توان جایگزین کرد:

ساقیا، برخیز و در ده جام را خاک بر سر کن غم ایام را

(همان: غزل ۸)

استفاده به جا از افعال منفی خاک بر سر کن، جای غم باد، غلط کردم و... در شعر حافظ نشانه‌ای از ذهن خلاق شاعر در واژه‌گزینی است؛ چراکه او حتی از بدترین واژه‌های آمیخته با دشنام نیز در بیان مفهوم مورد نظر بهره می‌گیرد و مجموعه‌ای از این فنون است که شعر حافظ را رستاخیز نموده است:

شادی مجلسیان در قدم و مقدم تست جای غم باد مر آن دل که نخواهد شادت

(همان: ۱۸)

### تکنیک ابتداء به علت و دلیل (حسن تعلیل)

ذکر دلیل فقط به آغاز یک سوره از سوره‌های مبارکه قرآن اختصاص دارد و آن هم سوره «قریش» است که با «لام تعلیل» آغاز شده است؛ تعلیل، در لغت به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن و یا نیکو توجیه کردن مسأله یا موضوعی است؛ حسن تعلیل در اصطلاح عبارت است از: نشان دادن انگیزه‌ها و دلایل هنری و ادعایی شاعرانه، به جای دلایل و علل واقعی و طبیعی. (مجتبی، ۱۳۸۰: ۱۱۷) الف و دوستی قریش که خواسته همه آنان بود، در آغاز سوره مطرح شده و سپس راه دسترسی به وحدت کلمه که همانا کلمه توحید و عبودیت خداوند می‌باشد، مطرح شده است:

لِإِيَّالَافِ قُرَيْشٍ: برای اَلْفَتِ دَادِنِ قُرَيْشٍ. (قریش: ۱)

حافظ از میان صناعات بدیعی به حسن تعلیل و ایهام بیشتر توجه دارد. (وحیدیان کامیار،



شیوه کاربرد حسن تعلیل در اشعار حافظ به گونه‌ای است که آنها را به نحوی آشکار و بسیار عیان به کار نبرده بلکه در منطوق و سخن شاعرانه خود چنان آنها را تنیده که با تأمل و درنگ کشف و متجلی می‌شوند. حسن تعلیل‌های حافظ حاصل نوعی نگرش شاعرانه به جهان است که اغلب حرکات و سکنات پدیده‌های جهان را تقلید و محاکات معشوق می‌داند؛ تقلید و محاکاتی که با نوعی نگاه اشراقی آن را کشف کرده است تا بر عمق و ژرفای زیباشناسانه شعر خود بیفزاید.

بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد      بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

(حافظ: غزل ۱۲۰)

تخیل شاعرانه در این بیت مبتنی است بر اینکه گل ارغوان خواسته است که تقابل و رقابتی با رخسار یار داشته باشد؛ یعنی اگر رخسار ارغوان سرخ است به سبب تأثیر معشوق است در نتیجه معشوق نیز خط عارضش به گونه‌ای طبیعی و معمول رشد نکرده، بلکه همچون حکمی است برای ریختن خون ارغوان.

تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده ست      دل سودا زده از غصه دو نیم افتاده است

(همان: غزل ۳۶)

مدعای علی، بر این اساس است که دل به سبب اینکه سر زلف معشوق در دست نسیم افتاده، دو نیم شده است. اگر دل را یک لخت تصور کنیم با حسن تعلیل روبرو نیستیم؛ اما چنانچه طبق تصور شاعر و بر مبنای علم تشریح گذشتگان، دل پاره گوشتی دو نیمه تلقی شود با حسن تعلیل بسیار زیبا روبرو هستیم.

### تکنیک ابتداء به تنبیه و تحذیر

در برخی آیات الهی خداوند متعال از شیوه بیان تنبیه و تحذیر استفاده کرده است. در حوزه فواتح سوره نیز در آغاز سوره محمد(ص) لحن کلام الهی حاکی از نوعی تنبیه است؛ به این وسیله هشدار و آگاهی می‌دهد و برحذر می‌دارد آنانی را که به خدا کافر شدند و راه دین خدا را بر خلق بستند و تنبیه شان را بطلان و تباهی اعمالشان قرار می‌دهد:

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ: کسانی که کفر ورزیدند و مردم را از راه خدا بازداشتند، خدا اعمال آنان راتباه خواهد کرد. (محمد: ۱)

حافظ نیز از شیوهٔ تنبیه و تحذیر در ابتدای غزل‌هایش بهره گرفته است:  
گفتا برون شدی به تماشای ماه نو از ماهِ ابروانِ منت شرم باد، رو

(حافظ: غزل ۴۰۶)

خستگان را چو طلب باشد و قوت نبود گر تو بیداد کنی شرط مروّت نبود

(همان: غزل ۲۰۸)

شاعر در بیت آغازین غزلش، توییح و تنبیه گونه‌ای دارد به کسی که ستم می‌کند بر  
خستگان و آزردهگان ره عشق؛ وی به آنها می‌تازد که شرط جوانمردی و انصاف را به جا  
نیآورده‌اند.

## نتیجه

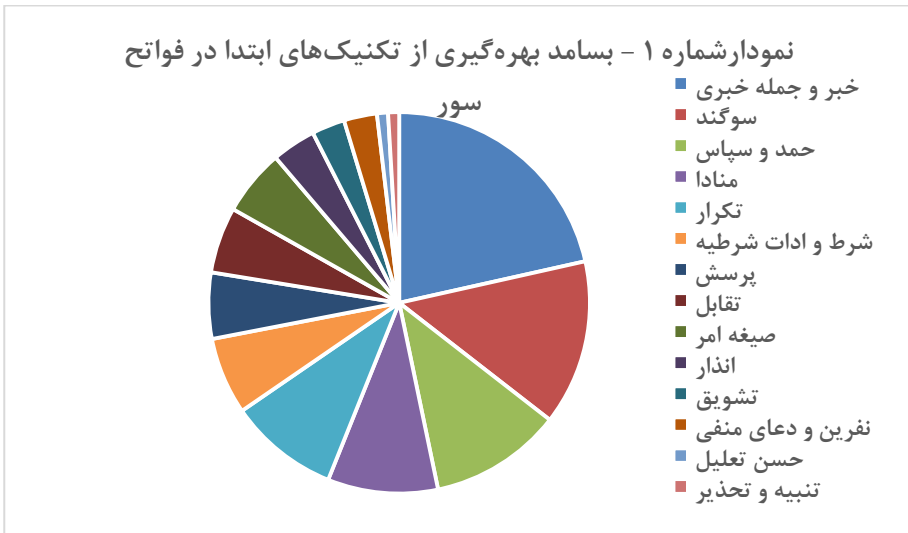
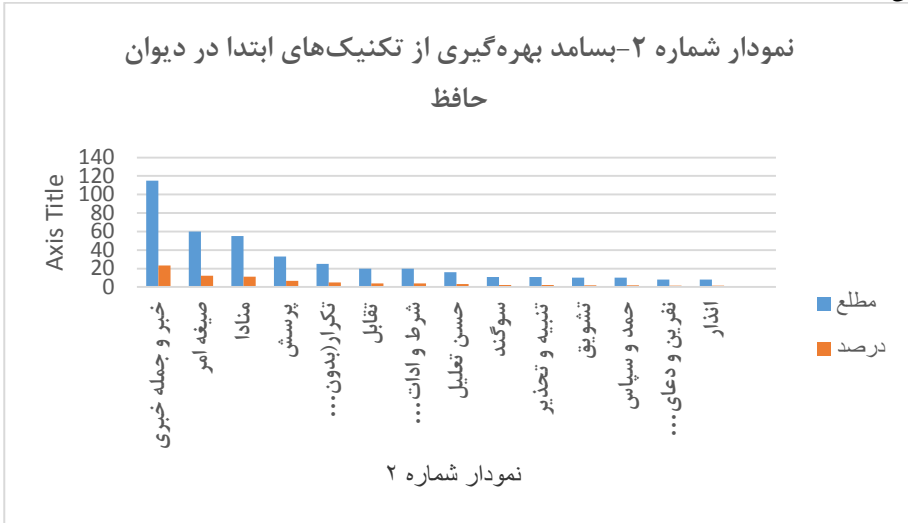
یکی از رموز مانایی و ماندگاری اشعار حافظ، پیوند ناگسستنی آن با آیات قرآن کریم است که در بهره بردن از شگردها و تکنیک‌ها و مضامین قرآنی چنان استادانه عمل می‌کند که عواطف خواننده را بر می‌انگیزد و آنان را به تأمل در این آموزه‌های قرآنی وا می‌دارد. به نظر می‌رسد که خواجه راز خواسته است با اثربرداری از شیوه‌های قرآنی به خصوص در آیات آغازین، اشعار خویش را متبرک به زینت وحی نموده و به سروده‌هایش از این رهگذر رنگ جاودانگی و مانایی ببخشد.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، از آنجا که خواجه شیراز با قرآن مانوس بوده، در مطلع غزلیات خویش از شیوه‌هایی که قرآن کریم در فواتح سور بهره جسته، الهام پذیرفته است؛ از میان این روش‌ها و تکنیک‌های قرآنی که ۱۳ مورد در این جستار بیان شد، از مجموع ۴۹۵ غزل مورد بررسی در دیوان حافظ، تکنیک ابتداء به خبر و جمله خبری با بیش از ۱۰۰ مطلع در رده اول و تکنیک ابتداء به امر و صیغه امر با ۶۰ مطلع در رده دوم و ابتداء به منادا با ۵۵ مطلع در رده سوم قرار گرفت. از این میان تکنیک سؤال و پرسش در ابتدای ۳۳ غزل رتبه چهارم را داراست؛ اما اثربرداری حافظ از تکنیک‌های ابتداء به دعای منفی یا نفی و انذار با کمتر از ۱۰ مورد در پایین‌ترین سطح قرار گرفتند.

با توجه به تحلیل یافته‌ها و عنایت به بسامد بالای دو تکنیک ابتداء به خبر و ابتداء به امر می‌توان استدلال کرد که صدای حافظ بیان گرایانه، روایت گرایانه و آمرانه است که همین امر می‌تواند نمایی کلی از الهام‌پذیری شاعر از قرآن و شیوه‌های هدایت گرایانه اش باشد؛ چرا که قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، از آنجایی که برای هدایت بشر از ضلالت و گمراهی نازل شده، بیشتر توأم با امر و اخبار است.

نمودار شماره ۲ - بسامد بهره‌گیری از تکنیک‌های ابتدا در مطلع غزلیات حافظ را نشان

می‌دهد:





## منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آلوسی، سید محمود بن عبدالله. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم. *لسان العرب*. جلد سوم. بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- ۴- احمدشیرازی، امین. *آیین بلاغت*. شرح فارسی مختصر المعانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۵- استعلامی، محمد. *حافظ به گفته حافظ*. یک شناخت منطقی. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۸.
- ۶- الدمیانی، محمد بن ابی بکر بدرالدین. *تحفه الغریب علی مغنی اللیب*. جلد اول. مصر: البهیة المصریه، ۱۳۱۴ ق.
- ۷- برزگر خالقی، محمدرضا. *شاخ نبات حافظ*. تهران: انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- ۸ - بهره مند، زهرا. *آیرونی و تفاوت آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه*. نشریه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۵، ۱۳۸۹.
- ۹ - پورجوادی، نصرالله. *درباره حافظ (برگزیده مقاله‌های نشر دانش)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۰- پورنامداریان، تقی. *گمشده لب دریا؛ تعاملی در معنی و صورت شعر حافظ*. تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۱۱ - تقوی نصرالله. *هنجار گفتار (در فن معانی و بیان و بدیع فارسی)*. تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۷.
- ۱۲- ثروتیان، بهروز. *شرح غزلیات حافظ*. تهران: نشر پویندگان دانش، ۱۳۸۰.
- ۱۳- ختمی لاهوری، ابوالحسن عبدالرحمن. *شرح عرفانی غزل‌های حافظ*. تهران: نشر قطره، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
- ۱۴- خرّمشاهی، بهاء‌الدین. *حافظ‌نامه*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هجدهم، ۱۳۸۷.
- ۱۵- \_\_\_\_\_ و سید محمدکاظم بجنوردی. *حافظ و قرآن: «دائرة المعارف بزرگ اسلامی»*. تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۱.

- ۱۶ - خطیب رهبر، خلیل. دیوان غزلیات خواجه حافظ. تهران: انتشارات صفی علیشاه، چاپ چهلم، ۱۳۸۵.
- ۱۷ - جوادی آملی، عبدالله. تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم. قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰.
- ۱۸ - دادبه، اصغر. نقد و بررسی کتاب شرح شکن زلف. سایت گسترش زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶.
- ۱۹ - دولتشاه سمرقندی. تذکره الشعراء. به اهتمام پروفیسور ادوارد براون. چاپ لیدن، ۱۳۱۸ ق.
- ۲۰ - زرکشی، محمد بن عبدالله. البرهان فی علوم القرآن. به تحقیق ابوالفضل الدمیاطی، قاهره: دارالحدیث، ۲۰۰۶ م.
- ۲۱ - زمخشری، جارالله محمودابن عمر. الکشاف عن حقائق التنزیل، انتشارات دار احیاء التراث العربی. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۲ - سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. الاتقان فی العلوم القرآن. جلد سوم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ ق.
- ۲۳ - سیدی، سیدحسین و فرحناز شاهوردی. درآمدی بر زیبایی‌شناسی تکرارحروف در نظم آهنگ درونی آیات. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱، پیاپی ۷۳، ۱۳۹۲.
- ۲۴ - شمیسا، سیروس. یادداشت‌های حافظ. تهران: نشرعلم، ۱۳۸۸.
- ۲۵ - صفوی کورش. درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: هرمس، ۱۳۸۳.
- ۲۶ - طوسی، محمد بن نصیرالدین. اساس الاقتباس. جلد اول. تهران: چاپ مدرس رضوی، ۱۳۶۱.
- ۲۷ - فتح الله، علی و مسعود سپه‌وندی. باز جست موضوعی معارف قرآنی و روایی در ادب پارسی. خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۲۸ - فخرزازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. مفاتیح الغیب. بیروت: دار الکفر، ۱۴۰۵ ق.
- ۲۹ - قویمی، مهوش. آوا و القا. رهیافتی به شعر. تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۳۰ - گیرو، پی‌یر. نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی. تهران: انتشارات آگه، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ۳۱ - مالیر، محمد ابراهیم و فرشید وزیله. دولت قرآن (تأملی نو بر معانی ثانوی استفهام با تکیه بر غزلیات حافظ و آیاتی از قرآن کریم). فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶.
- ۳۲ - محبتی، مهدی. بدیع نو. تهران: نشر سخن، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۳ - مسلم، مصطفی. مباحث فی اعجاز القرآن الکریم. دمشق: انتشارات دارالمسلم، ۱۹۹۶ م.

۳۴ - مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. تفسیر نمونه. قم: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۰.

۳۵ - وحیدیان کامیار، تقی و رضا انزابی‌نژاد. بدیع از دیدگاه زیباشناسی. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول،



## The influence of Hafiz's style at the beginning of the lyric poems on the technique of Qur'anicization at the beginning of the surah

Alireza Esfandeh<sup>1</sup>, Yadollah Maleki Ph.D.<sup>2</sup>, Mohamdreza Sangari Ph.D.<sup>3</sup>

### Abstract

In poetry, it is called good knowledge. This is because if the opening part of the speech has points and attractions The audience becomes interested in continuing it And so on The speaker reaches his goal. One of the examples is the poets who were familiar with the Qur'an. The Holy Qur'an, because it has had a profound effect on the literature behind it It is full of literary aspects; Methods and techniques of expression in the verses at the beginning of the suras Hafiz, in particular, has benefited in various ways .In a way that less lyric than Hafez can be found that. It is ineffective when composing from the Quran And this is the effect of the spiritual influence of the divine word That "Hafez's poem is the whole house of knowledge." In this article, the researcher is on it. To the techniques and methods used in the first verses of the Quran Extracted And examine the effectiveness and inspiration of Hafez from these methods and techniques in the study of lyric poems.

**Keywords:** Quran, Hafiz, Influence, Early Verses, Beginning of Ghazal

- 
1. PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran.
  2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran. (Author)
  3. Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.